

وشته نامه

احمد پرهیزکاری «پرهیز»

برگرفته از حیات نامی استاد شهریار

وشته روستایی در منطقه المودار، تابع استان قزوین

نشر پلک

۱۳۹۹

سرشناسه : پرهیزکاری، محمد، ۱۳۴۹ -
عنوان و نام پدیدآور : وشته نامه/محمد پرهیزکاری.
مشخصات نشر : تهران: انتشارات پلک، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری : ۱۰۲ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۳۵-۵۳۴-۱

وضعیت فهرست : فیا
نویسی
موضوع : شعر وشته‌ای
موضوع : Vashtehi poetry
موضوع : شعر عامه فارسی
موضوع : Folk poetry, Persian
موضوع : شعر فارسی-- قرن ۱۴
موضوع : Persian poetry -- ۲۰th century
رده بندی کنگره : ۳۹۹۰ PIR
۱ بندی دیویی : ۹/۰۱۰۸۶۸
نمبارده کتابشناسی ملی : ۶۲۲۴۰۰۸



انتشارات پلک

وشته نامه

نویسنده: محمد پرهیزکاری

ناشر: پلک

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۳۵-۵۳۴-۱

طرح جلد: مریم پرهیزکاری

ویراستار و صفحه آرا: لیلا پرهیزکاری

نوبت و سال چاپ: اول/ ۱۳۹۹

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

تیراژ: ۵۰۰ جلد

مرکز نشر و پخش: تهران، خیابان انقلاب، خیابان وصال شیرازی، پلاک ۱۷، طبقه ۴،

واحد تلفن: ۶-۶۶۴۸۱۰۶۵ وب سایه: www.pelkbook.com

سخنی چند با هموطنان

از کودکی علاقه‌ام به شعر و هنر از طرفی و دلبستگی به زادگاه پدری در حد تقدس از طرفی دیگر، باعث شد که این بضاعت اندک را با کمک خاطرات قریب به دو سال زندگی کودکی‌ام در روستا و سالها تحقیق و آشنایی با فرهنگ و رسوم آنجا به رشته‌ی تحریر در آورم.

در این زمان که سنت، فرهنگ، زبان و رسوم روستاها در معرض تاراج فرهنگ شهرهاست که آن نیز خود پوستینی وارونه از تمدن بیگانه است، برآن شدم تا با طبع آزمایی خود این ناقابل را با استعانت از پرردگار من و الهام گرفته از حیدر بابای استاد شهریار که ترجمه فارسی آن از آقای بهمن فرسی به طهر اسقی، دست من رسید به نظم در بیاورم.

البته هدفم از این کار هنرنمایی نیست، بلکه امیدوارم با این کار توانسته باشم قسمتی از فرهنگ و زبان قبیله‌ام را برای نسل آینده حفظ کنم، به همین جهت بسیار مشکل بود که هم از اصل کلام دور نشده و هم با زبان محلی و عامیانه آن رچوب وزن و ضرب آهنگ شعر خارج نشود. به هر حال می‌دانم که این اثر هم خالی از ایراد نیست. خصوصاً برای نسل جوان که برای تلفظ کلمات به اعراب‌گذاری صحیح و برای دانستن لغات و اصطلاحات به معانی فصیح احتیاج دارد. و دیگر این که چون بیشتر کلمات و الفاظ به کار رفته در این اشعار و همچنین اشخاص، اسامی و حرفه‌های نقل شده مربوط به خاطرات کودکی و جریاناتی است که مربوط به چهار دهه‌ی قبل اتفاق افتاده و در ذهن بنده نقش بسته بود. مطمئناً امروزه حتی بعضی از این الفاظ کاربرد نداشته و بسیاری از این خاطرات جز برای معدودی معنا و مفهومی ندارد. ولی مسئله‌ی مهم همین‌جاست که این خاطرات گوشه‌ای از تاریخ و شته در دوره‌ای حساس است. دوره‌ای که در آن آخرین نمونه از شیوه‌ی یک زندگی سنتی و روستایی دستخوش تغییرات سریع و پرشتاب زندگی مدرن و امروزی گردید.

در ضمن کتاب دیگری از این حقیر در حال جمع‌آوری و چاپ است که حاوی عکسهای قدیمی و کمیاب بوده و مساعدت همگان را نیز جهت جمع‌آوری عکسها طلب می‌کند و در صورت به چاپ رسیدن از ارزش والایی برخوردار خواهد بود.

البته در پایان این کتاب تعدادی از نمونه عکسها را که با لطف و اعتماد شما همشهریان و خویشتان عزیزم جمع‌آوری شده را به انضمام تعدادی از اشعار ناقابل تقدیمتان می‌نمایم. امیدوار مجموعه‌تان عزیزم عذر بنده را از کاستی‌های این کتاب پذیرفته و راهنمایی‌های خود را مثل همیشه از این حقیر دریغ نفرمایند.

در آخر از هم‌عصرم و تنگای کسانی که در گردآوری این مجموعه راهنما و مشوق بنده بوده و مرا در چاپ این اثر یاری نموده‌اند، کمال تشکر را دارم.

محمّد مهدی «پرهیز»

زمستان ۱۳۸۶